

تحول حقوق زنان و خانواده

در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی *

احمد رضا توحیدی**

چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم و از زمان تصویب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی حقوق بشر که به صورت خاص و یا عام ناظر بر زنان می‌باشد؛ از جمله میثاقین، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، برنامه عمل نایروبی، پکن، اعلامیه توسعه هزاره و... و سازوکارهای اجرایی برای این اسناد از جمله کمیسیون حقوق بشر سابق (شورای حقوق بشر)، کمیسیون مقام زن، کمیته حقوق بشر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر نهادهای ناظر ایجاد شده و حتی ساختارهایی در نهادهای منطقه‌ای از جمله در اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقایی تأسیس شده است. در تمام این موارد تمرکز و توجه به موضوع زنان، رفع تبعیض علیه آنها و ایجاد تساوی جنسیتی بوده است. نکته مهم در رویکرد اخیر این حمایت‌ها و استیفاء حقوق زنان آن است که گاهی به این موضوع توجه نشده که مسائل دیگری هم غیر از تساوی و آزادی نیز وجود دارد، زیرا اینها شرط لازمند نه شرط کافی؛ لذا می‌توان گفت در این حمایت‌ها «کیفیت» تحت الشعاع «کمیت» قرار گرفت، «زن بودن» زن موجب فراموشی «انسان بودن» وی گردید و در بیشتر اسناد حقوق بشری به موضوع خصوصیت حقیقی، فطری و خدادادی زنان و حمایت از نهاد مقدس خانواده و تفاوت کارکردی نهاد خانواده با دیگر نهادهای قراردادی توجه نشده است و اصولاً بر حقوق فردی تأکید شده است. در این مقاله به سیر حمایت از حقوق زنان و خانواده در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته شده و در ادامه نگرشی انتقادی نسبت به رویکرد بین‌المللی صورت گرفته است. لازم به ذکر است به واسطه محدودیت کمی و جلوگیری از تکرار و اطاله، نگرش حقوق ملی به اختصار و در لابه‌لای مباحث اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی

تحول حقوق زنان، حمایت از خانواده، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، خانواده.

*- این مقاله در همایش بین‌المللی «فلسفه حقوق زن در اسلام» که توسط دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام) برگزار گردید، ارائه شده است.

** - استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه قم. Tohidi2004@yahoo.com

مقدمه

آنچه در اقدامات و اسناد بین‌المللی برای حمایت از حقوق زنان مشاهده می‌شود تأکید و پیگیری مفهوم «تساوی جنسیتی»^۱ است. در این مسیر شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد تساوی جنسیتی را چنین تعریف و تبیین می‌کند: «نکته‌ی مهم در جنبه‌ی جنسیتی، فرایندی از تلاش‌هاست برای هر نوع اقدام و برنامه‌ریزی برابر برای زنان و مردان در حیطه‌ی تقنین، سیاست‌ها و برنامه‌ها و در هر محدوده و هر سطح. این مفهومی استراتژیک است برای آنکه در حیطه‌ی تجربه، طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها زنان مشابه مردان ساخته شوند و در نهایت در کلیه‌ی قلمروهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زنان و مردان از موقعیتی برابر و مشابه بهره‌مند شوند مگر آنکه یک تفاوت بیولوژیکی موجب رفتار متفاوت گردد» (United Nations the 1997). در این راستا یونیسف در تعریف تساوی جنسیتی بیان می‌کند: «تساوی جنسیتی به معنی بهره‌مندی زنان و مردان و دختران و پسران از حقوق، منابع، فرصت‌ها و حمایت‌های برابر می‌باشد»^۲ (Unicef 2011). همچنین صندوق جمعیت ملل

1 - Gender Equality, Sex Equality or Sexual Equality or Equality of the Genders.

۲- و در ادامه‌ی تعریف تساوی جنسیتی بیان می‌دارد که این بهره‌مندی برابر از حقوق و... به معنای آن نیست که دختران و پسران و یا زنان و مردان شبیه هم باشند و یا رفتاری دقیقاً مشابه داشته باشند؛ البته این تعریض یونیسف به معنای عدم تبعیت از برداشت غالب انسان‌گرایانه حقوق بشر غربی در تعریف حقوق بشر و.. نیست.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

متحد اعلام کرده که زنان و مردان حقوق برابر دارند^۱ (Unfpa 2008). بر مبنای همین تعریف، تساوی جنسیتی به عنوان یکی از اهداف پروژه‌ی هزاره‌ی سازمان ملل متحد جهت رفع فقر در جهان برای سال ۲۰۱۵ تعیین شده است (United Nations Millennium Campaign 2008). در تحکیم این موضوع در سطح منطقه‌ای اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۱۰، مؤسسه‌ی اروپایی تساوی جنسیتی^۲ (EIGE) را در ویلنیوس^۳ لیتوانی افتتاح کرد تا با تبعیض جنسیتی مبارزه کند. همچنین به موضوع تساوی جنسیتی در بیشتر کشورهای اروپایی - از جمله انگلستان - به عنوان برنامه‌ی ملی برای آموزش و رعایت توجه شد. علاوه بر اشارات و تعاریف فوق، در اسناد، اعلامیه‌ها و معاهدات دیگر نیز به این مفهوم به اقتضاء وضع پرداخته شده است و محور مطالعه و اقدام قرار گرفته‌اند؛ از جمله در گزارش نهایی سال ۲۰۱۲ برنامه‌ی جهانی غذا^۴ و گزارش شورای اقتصادی - اجتماعی به مجمع عمومی^۵ (www.un.org/ga/search) به ابعاد مختلف تضمین این امر در برنامه‌ی کاری کشورها تأکید شده است.

۱- در قلمرو حقوق کار داخلی این مفهوم در عبارت «پرداخت برابر در مقابل کار برابر» «equal pay» مشاهده می‌شود.

2- European Institute for Gender Equality.

3- Vilnius.

4- E/2012/SR.29-34.

۵- این گزارش (۳/۶۷/A) مصوب شورای اقتصادی اجتماعی در اجلاس هیئت و هفتم در تاریخ ۲۱ آگوست ۲۰۱۲ می‌باشد.

http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/67/3

۱- تحول اقدامات عام بین‌المللی در حمایت خانواده و تساوی جنسیتی

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۱ از اولین اسنادی است که به موضوع زن و حقوق خانواده پرداخته است^۲ و در آن ۶ بار عبارت «خانواده» تکرار شده و ماده‌ی ۱۶ همین اعلامیه بیان می‌کند که هر زن و مرد بالغی بدون هرگونه محدودیت به واسطه‌ی نژاد، مذهب و یا تابعیت حق دارند با یکدیگر زناشویی کرده^۳ و تشکیل خانواده دهند^۴ و خانواده مستحق حمایت جامعه دولت است.^۵ از آنجا که خانواده یک ساختار تصادفی اجتماعی نیست^۶، دولت باید از طرق مختلفی چون سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و اقدامات

1- Adopted by UN General Assembly Resolution 217A(III) of 10 December 1948.

۲- البته می‌توان به اقدامات اولیه‌ی دیگر سازمان ملل نیز اشاره نمود که کنوانسیون بین‌المللی مورخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ «موقوف سازی دادوستد زنان و کودکان» توسط پروتکلی که مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷ پذیرفت، اصلاح شد و کنوانسیون بین‌المللی مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ «موقوف سازی دادوستد زنان» توسط پروتکل مذکور اصلاح شد.

۳- در مورد شرایط و چگونگی ازدواج و پرهیز از ازدواج‌های اجباری «کنوانسیون ملل متحد در رضایت ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج» مصوب ۱۹۶۲ ناظر بر این موضوع است. البته این کنوانسیون وفق قطعنامه ۱۷۶۲ مجمع عمومی تأیید شده و در نهایت در سال ۱۹۶۴ لازم‌الاجرا شده است و تا اردیبهشت ۱۳۹۲، پنجاه و پنج کشور آن را تصویب کرده‌اند. مرتبط با این موضوع نیز «کنوانسیون تابعیت زنان مزدوج» به استناد قطعنامه ۰۴۰ مجمع عمومی تصویب شد که در ۱۱ آگوست ۱۹۵۸ لازم‌الاجرا شده و تاکنون ۷۴ کشور عضو آن هستند.

4- Men and women of full age, without any limitation due to race, nationality or religion, have the right to marry and to found a family.

۵- البته اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر که در اجلاس وزاری خارجه‌ی کشورهای اسلامی در مرداد ماه ۱۳۶۹ (اوت ۱۹۹۰) طی قطعنامه‌ی شماره‌ی P/۱۹/۴۹ در قاهره پایتخت مصر به تصویب رسید، در تعریف خانواده در ماده ۵ می‌گوید: «خانواده پایه‌ی ساختار جامعه است. جامعه و دولت موظف‌اند موانع را از فرا راه ازدواج (جهت تشکیل خانواده) بردارند و راه‌های آن را آسان سازند و از خانواده حمایت به عمل آورند».

6 - Accidental Social Construction.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

حقوقی در تقویت و حمایت خانواده که سنگ بنای هر جامعه‌ی موفق است، اقدام کند^۱ (www.un.org/News/briefings/docs/2008)، زیرا در صورت از بین رفتن و شکسته شدن خانواده (افتراق و یا طلاق)، مشکلات جدی فردی ایجاد می‌شود.

از آنجا که منشأ صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، قطعنامه‌ی مجمع عمومی بوده و این قطعنامه ارزش توصیه‌ای داشته است، کشورهای پذیرنده‌ی اعلامیه‌ی حقوق بشر در صدد برآمدند تا با تدوین دو میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مفاهیم مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر جنبه‌ی اجرایی دهند.^۲ این امر موجب شد ظرف چند سال، میثاقین تدوین و در سال ۱۹۶۶ به تأیید کشورهای عضو سازمان ملل متحد رسیده و در سال ۱۹۷۶ اجرایی شوند^۳ و امروزه بیش از سه چهارم کشورهای جهان میثاقین را تصویب کرده‌اند^۴

۱- مصاحبه خانم مارتا کاسکو (Martha de Casco) نماینده پارلمان هندوراس در کنفرانس خبری ۱۰ دسامبر ۲۰۰۸ منتشره‌ی اداره‌ی اطلاعات همگانی سازمان ملل به آدرس ذیل اخذ شده است.

۲- البته طی قطعنامه‌ی ۶۴۰ مجمع عمومی در ۲۰ دسامبر ۱۹۵۲ متن «کنوانسیون حقوق سیاسی زنان» تأیید شد که این کنوانسیون در نهایت با کسب نصاب دول تصویب کننده در مورخ ۷ ژوئای ۱۹۵۴ لازم الاجرا شده و تاکنون ۱۲۲ عضو دارد.

۳- ایران به هر دو میثاق پیوسته بدین صورت که میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ۲۳ آبان ماه سال ۱۳۵۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ حق شرطی از تصویب مجلس سنا گذشت. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در آذر ماه ۱۳۵۱ در مجلس شورای ملی و در اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ حق شرطی به تصویب مجلس سنا رسید.

۴- تا تابستان ۱۳۹۲ تعداد دول عضو میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۶۷ کشور است و دول عضو میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی ۱۶۰ کشور می‌باشد.

(www.treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx) البته در این کشورها یک کمیته‌ی نظارتی به نام کمیته‌ی حقوق بشر پیش‌بینی کردند که وظیفه‌ی اصلی آن بررسی گزارشاتی است که دولت‌های عضو میثاق از وضعیت اجرای مقررات آن ارائه می‌کنند. لازم به ذکر است در بند ۲ ماده‌ی ۲ میثاق بین‌المللی، قواعد مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بنا نهاده شده است و ماده‌ی ۳ آن حقوق برابر زنان و مردان برای بهره‌مندی از تمام حقوق معین شده در میثاق را تأیید می‌کند. حال آنکه ماده‌ی ۷ بر دستمزد برابر برای کار برابر تأکید می‌کند. همچنین میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده‌ی ۳، بهره‌مندی برابر جنسیت‌ها از تمام حقوقی که این میثاق در بر می‌گیرد را تصریح می‌کند. همچنین این میثاق در بند ۵ ماده‌ی ۶ از زنان باردار در برابر حکم اعدام حمایت می‌کند و در بند ۲ ماده‌ی ۲۳ بر حق برابر برای ازدواج تأکید کرده و ماده‌ی ۲، بند ۱ ماده‌ی ۴، بند ۱ ماده‌ی ۲۴ و ماده‌ی ۲۶ و تمام تبعیض‌های جنسی^۱ را ممنوع می‌کند. نکته‌ای که دولت ایران و دیگر دولت‌های در حال توسعه و یا مسلمان باید دقت کنند، موضوع توجه به معانی الفاظ و اصطلاحات به کار گرفته شده در اسناد بین‌المللی است. گاهی برداشت ما از معانی متفاوت از مقصود آنهاست کما آنکه در توجه به معنا و محدوده‌ی «تساوی جنسیتی»، «تبعیض» و «خانواده» این نکته ملموس است؛ برای مثال کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل

1- Gender Based Discrimination.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

متحد در اول می ۲۰۱۳ دومین گزارش دوره‌ای ایران راجع به چگونگی اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) || بررسی کرده (www.un.org/en/ga/docu-ments/) و از جمله سؤالاتی که از هیئت نمایندگی ایران پرسیده، این بوده است که آیا زنان می‌توانند قاضی دادگاه شوند؟ جایگاه میثاق در ایران چیست؟^۱ چه اقداماتی برای کاهش و مبارزه با خشونت علیه زنان انجام شده است؟ نماینده‌ی ایران در بحث خشونت جواب داده است که «قانون مدنی ایران از زنان قربانی خشونت حمایت می‌کند، همچنین خط ویژه‌ی تماس تلفنی برای قربانیان مذکور در نظر گرفته شده است و مردی که نسبت به همسرش مرتکب خشونت شود مجازات می‌شود. البته آمار دقیقی از میزان وقوع خشونت خانگی وجود ندارد، اما عقیده بر این است که با توجه به ضوابط اخلاقی حاکم بر خانواده، خشونت خانگی به ندرت اتفاق می‌افتد» (<http://iauns.org>).

به نظر می‌رسد نماینده‌ی دولت ایران نخواستگی و یا ندانسته که دامنه‌ی مفهوم خشونت علیه زنان در غرب و یا اسناد بین‌المللی محدود به ضرب و شتم نیست، بلکه خشونت علیه زنان اصطلاحی تکنیکی است که به مجموعه‌ای از اعمال خشونت‌آمیز که عمدتاً یا

۱- و یا سؤال دیگری پرسیده‌اند مبنی بر اینکه: ایران در گذشته به کمیته اعلام کرد که همه‌ی شهروندان ایرانی می‌توانند در دادگاه‌ها به مفاد میثاق استناد و حقوق خود را اعمال کنند، آیا نمونه‌ای از آن وجود دارد؟

منحصراً علیه زنان صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود، همچون جرم نفرت،^۱ اهداف این نوع خشونت با انگیزه‌ی اولیه، ناشی از گروه خاص از جنسیت قربانی است (<http://encyclopedia.thefreedictionary.com>)، کماآنکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد «خشونت علیه زنان» را به عنوان «هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که منجر به - و یا به احتمال زیاد منجر به - آسیب جسمی، جنسی یا روانی و یا رنج زنان،^۲ از جمله تهدید به چنین اعمال، اجبار یا محرومیت خودسرانه از آزادی، چه در زندگی خصوصی یا عمومی (کار) اتفاق می‌افتد»^۳ تلقی نموده است. همچنین در سال ۱۹۹۳ اعلامیه‌ی حذف خشونت علیه زنان بیان می‌کند که این خشونت می‌تواند توسط مهاجمان از هر دو جنس (زن و یا مرد)، اعضای خانواده و حتی خود دولت محقق شود^۴ و در راستای همین امر سازمان ملل متحد ۲۵ نوامبر را به عنوان «روز بین‌المللی رفع خشونت علیه زنان» تعیین کرده

1- Hate crime occur when a perpetrator targets a victim because of his or her perceived membership in a certain social group, usually defined by racial group, religion, sexual orientation, disability, class, ethnicity, nationality, age, gender, gender identity, social status or political affiliation.

2- Suffering to Women.

3-any act of gender-based violence that results in, or is likely to result in, physical, sexual or mental harm or suffering to women, including threats of such acts, coercion or arbitrary deprivation of liberty, whether occurring in public or in private life.

4-United Nations General Assembly Declaration on the Elimination of Violence against Women (1993)

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

است.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد دقت نمایندگان دولتی در پاسخ به مباحث مطروحه و بیان جوابیه‌های استدلالی و متقن که از فحوای مضامین عالی اسلامی و قانون اساسی برداشت شده باشد، می‌تواند مبنایی برای پاسخ به شبهات مطروحه‌ی آنها باشد.

کمیسیون مقام زن نیز یکی از اولین نهادهایی است که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ آن را تشکیل داده^۲ و مهم‌ترین رکن سازمان ملل برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد جایگاه زنان است. این کمیسیون درباره‌ی هر مسئله‌ی مرتبط با زنان، پیشنهادات و گزارشات خود را به سازمان ملل متحد ارائه کرده و در موارد ضروری می‌تواند برای جلوگیری یا کاهش نقض حقوق زنان، اقدام بین‌المللی فوری انجام دهد.^۳ از جمله‌ی این اقدامات، تصویب اعلامیه‌ی محو خشونت علیه زنان^۴ بوده است. از طرفی با توجه به عملکرد مؤثر این کمیسیون، شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۶۷ مأموریت‌های آن را در حوزه‌ی ارتقاء برابری، توسعه و صلح، نظارت بر اجرای اقدامات ناظر بر پیشرفت زنان و بازنگری

1-UN Resolution 54/134-International Day for the Elimination of Violence against Women

2- ECOSOC Resolution establishing the Commission on the Status of Women. E/RES/2/11, 21 June 1946.

۳- اجلاس سالانه‌ی کمیسیون مقام زن طی ۱۰ روز کاری (اواخر فوریه تا اوایل مارس) در نیویورک برگزار می‌شود و در هر اجلاس موضوعاتی مشتمل بر موضوع اصلی، موضوع فرعی و موضوع فوق‌العاده مطرح می‌شوند.

4- The Declaration for the Elimination of Violence against Women was adopted by the General Assembly on 20 December 1993.

و ارزیابی پیشرفت‌های به دست آمده در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی گسترش داد (ECOSOC resolution 1987). نکته‌ی مهم در این میان آن است که سیر تحول موضوعات مطرح در کمیسیون حاکی از روند تخصصی شدن مسائل مرتبط با زنان است، اما با دقت به موضوعات مطرح در اجلاس‌های بیست سال قبل کمیسیون مقام زن در می‌یابیم که موضوعات مزبور تناسب کاملی با شرایط، نیازها و چالش‌های مطرح در حوزه‌ی زنان ندارند و عمده‌ی تمرکز کمیسیون تنها بر تحقق برابری جنسیتی بوده و بسیاری از امور مهم و ضروری مغفول مانده‌اند؛ لذا به نظر می‌رسد تکرار برخی موضوعات از لحاظ عملکرد واقع‌بینانه‌ی کمیسیون مناسب نباشد، برای مثال طی ۲۰ سال اخیر موضوع برابری جنسیتی و خشونت علیه زنان و دختران هر کدام ۵ مرتبه به عنوان موضوعات اصلی یا فرعی کمیسیون مطرح بوده‌اند،^۱ در حالی که به اصالت و شخصیت معنوی زن بودن و خانواده توجه خاصی نشده است.

۲- کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان

در تبیین چرایی تدوین کنوانسیون «محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان» باید گفت، گرچه به مسئله‌ی تساوی زن و مرد و رفع تبعیض بین آنها

۱- برای مثال موضوع اصلی سال ۲۰۱۳ محو و مقابله با همه‌ی اشکال خشونت علیه زنان و دختران بوده و موضوع فرعی آن تقسیم برابر مسئولیت‌ها میان زنان و مردان از جمله در زمینه‌ی درمان آج، آی وی/ایدز و در سال ۲۰۱۲ موضوع اصلی توانمندسازی زنان روستایی و نقش آنها در نابودی فقر و گرسنگی، توسعه و چالش‌های معاصر بوده و موضوع فرعی تأمین مالی در راستای برابری جنسیتی و توانمند نمودن زنان و موضوع فوق‌العاده مشارکت زنان و مردان جوان، دختران و پسران در پیشبرد برابری جنسیتی بوده است.

برای بهره‌مندی از حقوق سیاسی اجتماعی در همه‌ی اسناد حقوق بشری سازمان ملل و ... تأکید شده است، اما حقیقت این بود که تصویب این اسناد بین‌المللی برای تأمین حقوق مساوی زنان و زدودن هر نوع تبعیض علیه آنها کافی نبوده؛^۱ لذا مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۷ نوامبر سال ۱۹۶۷ «اعلامیه‌ی رفع تبعیض علیه زنان» را در یک مقدمه و یازده ماده به تصویب رساند. در سال ۱۹۷۲ کمیسیون مقام زن نظر دولت‌های عضو را نسبت به شکل و محتوای یک سند بین‌المللی درباره‌ی حقوق زنان جویا شد و در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن تنظیم پیش‌نویس کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان را آغاز کرد (توحیدی ۱۳۷۸: ۲۴۷). سرانجام متعاقب اقدامات تکمیلی دیگر، کنوانسیون رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه‌ی ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ با گذشتن سی روز از بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم‌الاجرا شد (بند ۱ ماده‌ی ۲۷ کنوانسیون). این سند در قالب یک مقدمه و شش بخش و سی ماده تشکیل شده است که مفاد کنوانسیون بر محور «ضرورت تساوی و برابری زنان و مردان در همه‌ی شئون» استوار است. به این معنا که مصوبات کنوانسیون با پذیرش تفاوت‌های طبیعی و جنسیتی میان زن و مرد، بر دخالت نکردن این تفاوت‌ها در قانون‌گذاری

۱- برای مثال در مقدمه‌ی کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان با یادآوری و اشاره به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های پذیرفته شده‌ی قبلی، ابراز نگرانی شده که «به رغم همه‌ی این اسناد و ابزارهای مختلف، تبعیض گسترده علیه زنان ادامه دارد».

و ضرورت وضع قوانین برابر و مساوی تأکید داشته و تنها راه ایجاد رفاه، آسایش، عدالت، آزادی و کرامت انسانی برای زنان را تساوی حقوقی آنها با مردان می‌داند و با این تصور و در فرایند ایجاد تساوی و تشابه مطلق این حقوق، می‌توان به حذف نقش مادری، شامل شیردهی، بارداری، تربیت و پرورش کودکان اشاره کرده، بدین نحو که با حذف نقش همسری، آن را به همسفره‌ای و همزیستی مکانیکی در ابعاد مختلف آموزشی، اقتصادی، محیط کار، اجتماعی، تفریحی و غیره تبدیل کرد. در موادی از کنوانسیون به مفهوم خانواده اشاره شده، اما این اشاره با نگرش حمایت واقعی از نهاد خانواده نبوده بلکه مبتنی بر امکان بهره‌مندی و استفاده از مزایای عنوان خانواده توسط زن می‌باشد؛ برای مثال در ماده‌ی ۱۳ کنوانسیون به وظیفه‌ی دولت‌ها جهت انجام اقدامات در محو تبعیض علیه زنان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی آنها از حقوق یکسان در استفاده از مزایای خانوادگی، حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن، حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و کلیه‌ی جنبه‌های زندگی فرهنگی اشاره شده است و در ماده‌ی ۱۶ به تعهد دولت‌ها در رفع تبعیض علیه زنان در همه‌ی امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی از جمله حق یکسان برای انعقاد ازدواج، حق یکسان برای انتخاب آزادانه‌ی همسر، حقوق و مسئولیت‌های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن، حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین قطع نظر از وضعیت زناشویی آنها، حقوق مساوی برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه

در زمینه‌ی تعداد فرزندان و فاصله‌ی زمانی بارداری، حقوق و مسئولیت یکسان در رابطه با ولایت، حضانت، قیمومت کودکان و فرزندخواندگی و... را اذعان می‌کند.

با توجه به کلیت و مفاد کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان می‌توان اذعان داشت که تمرکز این کنوانسیون تنها به تعهد و مسئولیت سنتی دولت‌ها در حذف تبعیض‌های قانونی و عرفی نسبت به زنان نیست، بلکه به استناد کنوانسیون دولت‌ها موظف‌اند اقدامات لازم را برای تشویق و ترویج تساوی بردارند و در این مسیر لازم است تا نگرش سنتی و کلیشه‌ای معمول در خصوص وظایف و نقش زن و مرد در خانواده را از بین ببرند (Harris, Hadar 2005). دیگر اینکه به موضوع خانواده و ارزش کارکردی آن در تأمین آسایش و آرامش روانی و معنوی افراد توجه نشده است. همچنین وضعیت‌های بومی و ارزش‌های منطقه‌ای و از همه مهم‌تر تفاوت‌ها و واقعیت‌های خلقت زن و مرد لحاظ نشده است و با همان نگرش تا سالیان اخیر تلاش و تبلیغ وسیعی برای پیوستن هر چه بیشتر دولت‌ها به این کنوانسیون بدون استفاده از حق شرط و یا اعمال حق شرط جزئی و یا پس گرفتن حق شرط‌های اعلام شده، صورت گرفته است؛ از جمله در سند کنفرانس جهانی زنان سال ۱۹۹۵ پکن در بندهای ۲۱۸، ۲۱۹ و ۲۳۰ بر موضوعات فوق تأکید شده است (مهرپور ۱۳۷۴: ۳۰۵).

فارغ از این اقدامات، در سال ۱۹۸۲ برای حصول برابری حقوق زن و مرد وفق مقررهای مذکور در ماده‌ی ۱۷ کنوانسیون، به منظور نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون کمیته‌ی محو کلیه‌ی اشکال تبعیض^۱ ایجاد شد.^۲ وظیفه‌ی این کمیته بررسی گزارش دوره‌ای دولت‌های عضو برای اجرای مفاد کنوانسیون است، ضمن آنکه خود نیز می‌تواند در هر زمان از کشور عضو درخواست ارائه‌ی گزارش کند.^۳ البته گزارش دوره‌ای دولت‌ها باید بر مبنای اطلاعات درخواستی برنامه‌ی عمل پکن (www.un.org.women-watch)، اعلامیه و دستورکارهای سازمان ملل و بر اساس توجه به بعد و نگرش جنسیتی تهیه شود (UN Doc.HRI/GEN; Clarke 2008: 2). البته از آنجا که کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان هیچ تعریفی از خشونت علیه زنان ارائه نداده بود^۴ کمیته‌ی مزبور در سال ۱۹۹۲ توصیه‌نامه‌ای را در این خصوص صادر کرد

1 - The CEDAW Committee

۲- به وسیله‌ی قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴/۵۴ مجمع عمومی در اکتبر ۱۹۹۹ با صدور پروتکل انتخابی از بین بردن تمام انواع تبعیض علیه زنان به این کمیته سپرده شد.

3- U.N. Office of the High Commissioner for Human Rights. "Fact Sheet No. 22, Discrimination Against Women: The Convention and the Committee". United Nations. Retrieved October 18, 2012.

۴- علاوه بر قواعد خاص (که چه در زمان صلح یا در جنگ قابل اجرا باشد)، تنها مفاد کنوانسیون است که به منع خشونت علیه زنان اشاره دارد؛ برای مثال ماده‌ی ۲ کنوانسیون لغو کلیه‌ی آداب و رسومی تشکیل دهنده تبعیض علیه زنان می‌باشد را مقرر می‌دارد و ماده‌ی ۶، سرکوب قاچاق و بهره برداری از فحشا، به عنوان خشونت جنسی در زمان جنگ در نظر گرفته است.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

(www.un.org/womenwatch/daw/cedaw)^۱ که بر اساس آن خشونت‌های مستقیمی که علیه افراد و به خاطر جنسیت آنها اعمال می‌شد یک نوع از تبعیض قلمداد می‌شود (Ibid). با توجه به همین توصیه‌نامه، اعلامیه‌ی رفع خشونت علیه زنان در سال بعد [۱۹۹۳] توسط مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد.

در بررسی کارنامه‌ی کمیته مشاهده می‌شود که کمیته تا کنون ۴۰۰ گزارش دوره‌ای دولت‌های عضو را بررسی کرده و راهبردهای اجرایی را در اجرای بهتر کنوانسیون به دول موصوف متذکر شده است. همچنین ۲۶ توصیه‌ی عمومی در تبیین و رفع ابهام مواد کنوانسیون ارائه کرده است (Amer2009: 2). البته با وجود تعهد دول در ارائه‌ی گزارش، دولت‌های عضو به صورت مستمر و مؤثر بر مبنای کنوانسیون عمل نمی‌کنند و معمولاً در ارائه‌ی گزارش‌های دوره‌ای خود قصور می‌ورزند که به این امر انتقاد شده و اعتقاد بر آن است که این امر بر انجام وظایف کمیته تأثیر منفی گذاشته است. تا سال ۲۰۰۵ تعداد ۵۳ کشور هیچ گزارشی از وضعیت داخلی خود ارائه نداده بودند (Harris 2005) و علت این قصور و نقص را ناشی از نیاز و وابستگی کمیته‌ی محو تبعیض به منابع مالی دولتی دانسته‌اند و از آن مهم‌تر

1- Committee on the Elimination of Discrimination against Women, 'Violence against women', General Recommendation No. 19, 29 January 1992, available at <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/recommendations/recomm.htm#recom19> (last visited 3 December 2009).

رفع این نقص نیازمند اراده‌ی سیاسی در ایجاد تغییرات است (Ibid). این در حالی است که با همه‌ی این نواقص بیان شده، کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان هنوز به عنوان سند مرکزی و اصلی دفاع از حقوق زنان است که تعداد ۱۸۷ کشور تا آوریل ۲۰۱۳ عضو آن شده‌اند. (<http://treaties.un.org>) و از این تعداد ۴۲ کشور بعد از چهارمین کنفرانس جهانی حقوق زنان سال ۱۹۹۵ پکن به آن پیوسته‌اند.^۱ همین کثرت دول عضو، کنوانسیون محو تبعیض را در مقام دومین معاهده‌ی حقوق بشری قرار داده است. البته بند یک ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون طی قطعنامه‌ی ۵۰/۲۰۲ به تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ مجمع عمومی اصلاح شد (D.C.CEDAW1995) که تا آوریل ۲۰۱۳ تنها ۶۸ کشور آن اصلاحات را تصویب کرده‌اند (<http://treaties.un.org>)؛ لذا هنوز به حد نصاب نرسیده و لازم‌الاجرا نشده است.^۲

همچنین پروتکل اختیاری‌ای نسبت به کنوانسیون محو تبعیض، با بیست و یک ماده تدوین شده که در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شد و تا سپتامبر ۲۰۰۹ تعداد ۹۶ کشور این پروتکل را تصویب کردند. در این پروتکل، به اصل برابری و عدم تبعیض به همان شکلی که در سایر اسناد آمده، پرداخته

۱- جمهوری ناورو Republic of Nauru آخرین کشوری است که در ۲۵ ژولای ۲۰۱۱ عضو کنوانسیون محو تبعیض شده است. البته تایوان نیز کنوانسیون را تصویب نموده است اما چون به عنوان کشور و عضو سازمان ملل به رسمیت شناخته نمی‌شود تنها به عنوان عضو غیر رسمی ملحوظ می‌شود. تا امروز هفت کشور هنوز این کنوانسیون را تصویب ننموده‌اند که عبارت‌اند از سودان، سودان جنوبی، ایران، پالو، سومالی، تونگا و ایالات متحده آمریکا.
۲- چون وفق پاراگراف ۳، اصلاحیه برای لازم‌الاجرا شدن اصلاحات نیازمند تصویب دوسوم دول عضو می‌باشد.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

شده است و به استناد آن امکان طرح و تعقیب شکایت موردی افراد وجود دارد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ اعلامیه‌ی رفع خشونت علیه زنان را تصویب کرده است تا مبنایی باشد برای تحریک و ممانعت دولت‌های عضو از آنچه کنوانسیون خشونت علیه زنان می‌نامد.^۱ موارد مد نظر در این اعلامیه، اشکال مختلفی است از خشونت‌های جسمی و روانی از جمله مواردی که در خانواده^۲ و یا معمولاً در جوامع اتفاق می‌افتد^۳ و یا آنکه خشونت‌هایی است که از سوی کشور مربوطه چشم‌پوشی شده‌اند (Simmons 2006: 492-517). به‌طور کلی این اعلامیه در موضوع خشونت با کنوانسیون^۴ و در موضوع اجازه‌ی ازدواج که حداقل سن ازدواج و ثبت آن را بیان می‌کند با توصیه‌نامه و در موضوع مقابله با بهره‌برداری از فساد دیگران با کنوانسیون پیوند خورده است.^۵ لازم به ذکر است با مشکل قاچاق زنان

۱- موضوع تعریف خشونت با محدوده‌ی وسیعی که ناشی از نگرش لیبرال حاکم در اسناد بین‌المللی می‌باشد و تعارض آن تعاریف با نگرش‌های دینی و از جمله اسلام در جای خود قابلیت مطالعه و بررسی دقیق دارد.

۲- از جمله برطرف کردن صور استفاده‌های جنسی زنان و کودکان در خانواده، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر اعمال سستی آسیب زنده به زنان، خشونت از طریق غیر از زوجی یا خشونت ناشی از بهره‌کشی از زنان.

۳- از جمله تجاوز به عنف، سو استفاده‌ی جنسی، آزار و اذیت جنسی و ارعاب در محیط کار و محیط‌های آموزشی و اماکن دیگر، دادوستد زنان و اجبار آنها به روسپیگری.

۴- به موجب قطعنامه شماره 1763 A (XVII)، مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ برای امضا باز گذاشته شد و مطابق با ماده ۶ آن در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ لازم الاجرا گردید.

۵- کنوانسیون «منع دادوستد افراد در زمینه‌ی بهره‌کشی و فساد [فحشا] دیگران» که توسط قطعنامه شماره 317 (IV) مجمع عمومی در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۴۹ تصویب و بر طبق ماده‌ی ۲۴ آن در ۲۵ جولای ۱۹۵۱ لازم الاجرا گردید.

از طریق تصویب پروتکل الحاقی به کنوانسیون سازمان ملل «علیه جرایم سازمان یافته فراملی»^۱ مقابله شد.^۲

۳- اقدامات سمبلیک مجمع عمومی برای موضوع خانواده

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ طی قطعنامه‌ی ۴۴/۸۲ و با هدف توجه به «خانواده: منابع و مسئولیت‌هایش در تغییر جهان» سال ۱۹۹۴ را به عنوان «سال بین‌المللی خانواده»^۳ نام‌گذاری کرد و شعار «ساختن کوچک‌ترین دموکراسی در بطن جامعه»^۴ برای آن انتخاب شد و شورای اقتصادی - اجتماعی به عنوان مجموعه نهاد مسئول ترتیب و برگزاری سال خانواده انتخاب شد. اصولی که در این قطعنامه تأکید شد، عبارت بودند از آنکه خانواده تشکیل دهنده‌ی واحدی اساسی از جامعه است^۶ که باید حداکثر حمایت از آن صورت پذیرد به نحوی که زن و مرد در خانواده بتوانند به صورت کامل مسئولیت‌های خود را در قبال اجتماع انجام دهند (<http://Social.un.org>).

1 - Protocol Additional to the UN Convention against Transnational Organized Crime.

۲ - پروتکل الحاقی به کنوانسیون سال ۲۰۰۰ ملل متحد «علیه جرایم سازمان یافته فراملی» و با هدف منع و توقف و مجازات حمل و نقل افراد، به‌خصوص زنان و کودکان. یک رابطه‌ی بسیار عمیق بین پدیده‌ی پیچیده‌تر شدن حمل و نقل افراد (به‌خصوص زنان و کودکان) و درگیری‌های مسلحانه وجود دارد.

3 - The International Year of the Family. (IYF)

4 - Building the Smallest Democracy at the Heart of Society

5 - The Basic Unit of Society.

۶ - قابل ذکر است در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز از خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه (Family as the Fundamental Unit of Society) نام برده شده است.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

در سال ۲۰۰۴، مجمع عمومی در راستای تقویت نتایج قطعنامه، طی مراسمی خواستار گرامی‌داشت و بازخوانی نتایج دهمین سالگرد تعیین سال بین‌المللی خانواده شد و بر این مبنا دبیر کل سازمان ملل دستاوردهای ده ساله را مرور کرد (Ibid). همچنین مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس چهل و هفتم خود، پانزدهم ماه می هر سال را به عنوان «روز بین‌المللی خانواده»^۱ تعیین کرد (Un Doc: A/RES/47/237, 1993) تا به وسیله‌ی آن، آگاهی‌ها نسبت به خانواده و تأثیر آن در اجتماع، اقتصاد و جمعیت افزایش پیدا کند. همچنین این قطعنامه مشوق مجموعه اقداماتی در راستای افزایش آگاهی‌ها و ایجاد وقایعی چون تعیین روز ملی خانواده در بسیاری از کشورها - که خود مهیا‌کننده‌ی فرصت برای برجسته کردن تفاوت‌های محلی و منافع و اهمیت خانواده است - بوده است. همچنین تعیین روز بین‌المللی خانواده موجب ایجاد فعالیت‌هایی چون کارگاه‌ها، کنفرانس‌ها و تهیه‌ی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، مقالات روزنامه‌ها، برنامه‌های فرهنگی و دیگر الگوهای تأثیرگذار بوده است (<http://www.un.org/ga/search>). برای تقویت و حمایت از خانواده، برخی ارکان و نهادهای سازمان ملل متحد تماس مستقیم و آشکار با خانواده‌ها دارند؛ از جمله‌ی این نهادها می‌توان به صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA) - که مادری مطمئن و ایمن را ترویج می‌کند و به بازپس‌گیری سلامتی با تأکید بر رفع نیازهای جوانان و بزرگسالان با تأکید

1 - The International Day of Families

بر تساوی جنسیتی و رفع خطر بیماری ایدز توجه دارد - و صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) - که به خانواده، زنده ماندن کودکان و مبارزه با ایدز با رعایت اصل تساوی جنسیتی توجه دارد - اشاره کرده دیگر نهادهای سازمان ملل خانواده را از لحاظ سلامت و رفاه و توسعه به صورت غیر مستقیم حمایت کرده‌اند که در این باره می‌توان به فعالیتهای سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد (UNDP)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، کمیساریای عالی پناهندگان (YUNHCR)، سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) و زنان سازمان ملل (UN Women) و بسیاری دیگر از نهادهای سازمان ملل اشاره کرد. باید توجه داشت که این حمایت‌ها و توجه‌های مستقیم و غیر مستقیم نهادهای سازمان ملل و برخی سازمان‌های منطقه‌ای دیگر در محدوده‌ی نگرش مکانیکی به خانواده است، زیرا در تلقی اسناد بین‌المللی خانواده شامل با هم بودن بدون ازدواج قانونی و شرعی، همجنس بازاها و حتی تک والدینی‌ها هم می‌باشد.

۴- برنامه‌ی عمل پکن

از جمله اسناد مهم در قلمرو حمایتی حقوق زنان، نتایج به دست آمده از چهارمین کنفرانس جهانی حقوق زنان ۱۹۹۵ پکن مندرج در «برنامه‌ی عمل پکن»^۱ می‌باشد (Report of the Fourth World Conference on Women, 1995)

1- The Beijing Platform for Action.

که این سند سه تعهد استراتژیک جهانی در حمایت از حقوق زنان در مناطق بحرانی ایجاد کرده است: ترویج و حفاظت از حقوق بشر زنان، از طریق اجرای کامل تمام اسناد حقوق بشری به ویژه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ تضمین برابری و عدم تبعیض زنان بر مبنای قانون و در عمل (رویه‌ها)؛ دستیابی به سواد حقوقی.^۱ فارغ از استراتژی مذکور، وفق این سند قلمرو اصلی اقداماتی که باید توسط دولت‌ها صورت می‌پذیرفت عبارت‌اند از: تصویب و اجرای اسناد بین‌المللی حقوق بشر، توسعه‌ی برنامه‌های اقدام ملی^۲ و حقوق بشر و برنامه‌های آموزشی حقوقی، ایجاد مکانیسم‌های سازمانی، ایجاد و تقویت چارچوب‌های حقوقی جهت حصول برابری جنسیتی^۳ از جمله حذف هرگونه تبعیض در حقوق و یا رویه‌ها و ایجاد سازوکارهای مناسب برای جبران نقض حقوق زنان.

بر همین اساس پس از برگزاری کنفرانس پکن ۱۹۹۵، مجمع عمومی به کمیسیون مقام زن مأموریت داد تا حوزه‌های نگران‌کننده‌ی مطرح در برنامه‌ی عمل سند پکن را در دستور کار خود قرار دهد و در سال ۱۹۹۶، شورای اقتصادی و اجتماعی از کمیسیون خواست اجرای اعلامیه‌ی پکن و برنامه‌ی عمل آن را محور توجه خود قرار دهد و در نظارت، بازنگری و ایجاد حمایت‌ها به شورای اقتصادی و اجتماعی کمک کند

1- Legal literacy.

2- Development of National Action Plans.

3- The Legal Framework for Gender Equality.

(http://www.un.org/womenwatch). لذا کمیسیون در سه اجلاس پکن + ۵ (۲۰۰۰) (Resolution S-23/2)، پکن + ۱۰ (۲۰۰۵)، پکن + ۱۵ (۲۰۰۹) و وظیفه‌ی نظارت و ارزیابی کنفرانس‌ها را بر عهده داشت.

۵- اعلامیه‌ی توسعه‌ی هزاره

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۰ قطعنامه‌ای را با عنوان «اعلامیه‌ی توسعه‌ی هزاره»^۱ با رأی مثبت ۱۸۹ کشور تصویب کرد (www.unmilleniumproject.org) و در آن هشت هدف کلیدی به عنوان «اهداف توسعه‌ی هزاره»^۲ معین شد به نحوی که این اهداف و راهبردها در یک سیستم گزارش‌دهی و به‌روزرسانی، اطلاعات دولت‌ها را در تحصیل اهداف و انجام اقدامات اجرایی لازم هدایت می‌کرد تا در جهت ریشه‌کنی کامل گرسنگی و فقر، حصول تحصیلات ابتدایی جهانی برای همه، تشویق و ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود سلامت روانی، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماری‌ها، اطمینان از پایداری محیط زیست و افزایش همکاری جهانی برای توسعه گام بردارند. در همین رابطه خانم هریس مدیر اجرایی مرکز حقوق بشر و بشردوستانه‌ی دانشکده حقوق دانشگاه واشنگتن بیان می‌کند: «کنوانسیون محو تبعیض، دستور کار پکن و اهداف توسعه‌ی هزاره حامی تعیین مصادیق و تعریف از

1- The Millennium Development Declaration.

2- The Millenium Development Goals (MDGs).

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

تساوی جنسیتی بوده و برای ساختارسازی مؤثر در حصول تساوی جنسیتی کمک کننده هستند و امید می‌رود که این تلاش‌های مستمر منجر به تعهدات و وظایف اجرایی شود تا یک تغییر واقعی مستمر و عملی^۱ برای تساوی زنان با مردان در همه جا تحقق پیدا کند (Harris 2005). با توجه به موضوعات بیان شده باید گفت که ترویج برابری جنسیتی زنان، تعهد اصلی مندرج در اعلامیه‌ی هزاره‌ی ۲۰۰۰ و سند نهایی اجلاس ۲۰۰۵ بوده است.^۲

۶- نهاد «زنان ملل متحد»

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۱ ژوئای ۲۰۱۰^۳ نهاد «زنان ملل متحد»^۴ را با تأکید بر اینکه دول عضو سازمان به صورت تاریخی در جهت حصول اهداف سازمانی تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان گام برمی‌دارند، ایجاد کرد.^۵ به هر حال نهادهای معاهداتی و سازمان ملل به موضوع حقوق زنان و ابعاد مختلف آن توجه مستمر داشته‌اند، چنان‌که نگرش خشونت‌آمیز نسبت به زنان و دختران، موضوع دستور جلسه‌ی کمیسیون مقام زن در اجلاس‌یه‌ی صندوق جمعیت ملل متحد در ۱۵-۴ مارس ۲۰۱۳

1- De Facto.

۲- درخصوص تأکیدات بر موضوع زنان در سند نهایی اجلاس ۲۰۰۵ نک: قطعنامه ۶۰/۱.

۳- اقدام مجمع در راستای عملیاتی‌سازی اعمال اصلاحات در سازمان ملل می‌باشد که بر مبنای گزارش هیئت عالی رتبه دبیرکل آن را تهیه کرده است.

4 - UNwomen.org.

5 - A/RES/64/289

بوده است.^۱ این اجلاس به حضور نمایندگان سازمان ملل و دولت‌های عضو و رسانه‌های جمعی و با موضوع پایان دادن به کلیه اشکال خشونت علیه زنان از جمله خشونت خانگی، خشونت در مخاصمات، مذهبی، آموزش، سلامتی، ایدز، رفع فقر، امنیت غذایی و نیز توجه به تأثیر کمبود توانمندسازی و به حاشیه راندن زنان در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی تشکیل شد (<http://www.unfpa.org>).

یکی از راهبردهای مورد توجه در رفع تبعیض زنان، تبعیض مثبت است^۲ که مدافعان اقدام و تبعیض مثبت^۳ این ابزار را بهترین شیوهی ممکن برای دستیابی به برابری واقعی میان دو جنس می‌دانند. به اعتقاد ایشان رفتار متفاوت با دو جنس در قالب اقدام مثبت باعث از بین بردن کلیشه‌ها و تفاوت‌های جنسیتی می‌شود و توجیه چنین رفتاری، از بین بردن تبعیض پنهان است که در بسیاری موارد زنان را هدف قرار می‌دهد؛ لذا در اسناد بین‌المللی و سایر متون حقوقی هر جا که تعریفی از تبعیض وجود دارد، تعریفی از اقدام مثبت هم گنجانده شده است. البته چنین تعاریفی بسته به هر سند حقوقی متفاوت است، این اقدامات را می‌توان در چند دسته از جمله اقدامات حمایتی و

۱- در بند ۱۰ ماده‌ی ۱۰ گزارش کمیسیون در این اجلاس تعریف خشونت نسبت به زنان عبارت است از: «هر عملی بر مبنای خشونت جنسیتی که به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی زنان و دختران بیانجامد و یا احتمال چنین نتیجه‌ای برود؛ از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، اجبار یا بازداشت خودسرانه، چه در عرصه‌ی زندگی عمومی و چه زندگی خصوصی.»

۲- منظور از اقدام مثبت در اینجا این است که دولت‌ها در زمینه‌ی ایجاد برابری بین زنان و مردان تعهد مثبت دارند و تعهدش از نوع تعهد به نتیجه است.

3 - Positive discrimination, Affirmative discrimination.

اقدامات مثبت در جهت ترویج برابری طبقه‌بندی کرد.^۱

۷- اقدامات مکمل و تفسیری در تقویت تساوی جنسیتی

با دقت در شرح وظایف و فعالیت‌های اجرایی بسیاری از نهادهای بین‌المللی و یا معاهدات حقوق بشر برمی‌آید که آنها نیز در اسناد و تصمیمات خود به توسعه‌ی محورهای حقوق بشر زنان توجه داشته و بر آن تأکید کرده‌اند؛ از جمله کمیته‌ی حقوق بشر در ماده‌ی ۳ تفسیر عمومی^۲ شماره‌ی ۲۸ خود در سال ۲۰۰۰ به تساوی حقوق بین زن و مرد تأکید کرده و کمیته‌ی محو تبعیض نژادی نیز در تفسیر عمومی شماره‌ی ۲۵ خود در سال ۲۰۰۰ جنسیت را به عنوان یکی از ابعاد و موارد مرتبط با تبعیض نژادی قلمداد می‌کند (<http://www.unhchr.ch/tbs/doc>).^۳ کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی^۴ در بند ۳ تفسیر عمومی شماره‌ی ۱۶ خود در سال ۲۰۰۵ به حقوق برابر زن و مرد در بهره‌مندی از همه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند. همچنین کمیته‌ی حقوق کودک، وضعیت دختران را در هفت تفسیر عمومی خود خطاب قرار داده و تأکید کرده است (Janette 2002).

1- Final report of activities of the group of specialists on Positive Action in the field of equality between women and men', Strasbourg, 2000 (EG-S-PA (2000 7).

2- General comment.

۳- ایران عضو کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی می‌باشد و گزارش جدید خود را درخصوص کنوانسیون در اول آوریل ۲۰۱۳ تحویل نموده است.

4-The Committee on Economic, Social and Cultural Rights.

همچنین کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌شان^۱ در اول ژوئای ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا شد که تأکید مؤثر در رعایت حقوق کارگران مهاجر زن دارد. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ کنوانسیون حقوق افراد معلول^۲ را تصویب نمود که وفق ماده‌ی ۶ آن دول عضو ملزم‌اند تا اقدامات لازم جهت تأمین و رعایت کامل و برابر دختران و زنان معلول در بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اعمال نمایند.^۳ همچنین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۴ - که در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۸ به تصویب مجمع عمومی رسید - امکان تحقیق و رسیدگی به شکایت افراد را بیان می‌کند و مبین حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تقویت و تأکید بر جهان‌شمولی،^۵ تفکیک‌ناپذیری^۶ و وابستگی متقابل^۷ همه‌ی موارد حقوق بشر برای همه می‌باشد.

همچنین شورای امنیت به عنوان رکن اصلی سازمان ملل متحد نیز با قطعنامه‌ی ۱۳۲۵ سال ۲۰۰۰ خاطر نشان کرد که زنان به طور فزاینده‌ای

1-International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families.

2-Convention on the Rights of Persons with Disabilities

۳- این کنوانسیون در ۳ می ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده است.

4- Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

5- Universality

6- Indivisibility

7- Interdependence and Interrelatedness.

هدف درگیری‌های مسلحانه هستند و بر اهمیت احترام کامل به قواعد حقوق بین‌الملل مربوط به حمایت از زنان در برابر خشونت‌های جنسیتی به ویژه تجاوز به عنف و دیگر اشکال سوءاستفاده‌های جنسی و تمام اشکال خشونت در درگیری‌های مسلحانه تأکید کرد. شورای امنیت در این قطعنامه از کشورها خواست تا اقدامات خاصی را برای حمایت از زنان اتخاذ کنند (Resolution 1325 (2000), preamble and paras 9-10) و تصریح می‌کند که این اقدامات نباید مشمول عفو عمومی قرار گیرد (Ibid: para 11) و کشورها موظف‌اند تا هر مجرمی را که این اعمال را انجام داده، تعقیب کنند.

شورای امنیت در مورد کمبود نمایندگان زنان در تمام مراحل فرآیند صلح بیان می‌کند که نگرانی‌ها همچنان باقی مانده و این ناشی از خشونت، ارعاب، ناامنی، کمبود قواعد قانونی، تبعیض فرهنگی و بدنام‌سازی، کمبود دسترسی به امکانات آموزشی و کمبود سرمایه برای تلاش‌های توانبخشی زنان می‌باشد (Ibid: p2). همچنین قطعنامه‌ی ۱۸۲۰ صادره در سال ۲۰۰۸ در مورد صلح و امنیت زنان در قبال تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت‌های جنسی در زمان جنگ توجه داشته و اعلام می‌کند که از سال ۲۰۰۰ در سرتاسر جهان، خشونت علیه زنان در مخاصمات شدت یافته است. این مسئله به خصوص در آفریقا در درگیری‌های شدید اوگاندا (DRC)، جمهوری‌های مرکزی آفریقا، سیرالئون، لیبیا و دارفور سودان شیوع پیدا کرد. شورای امنیت مشخص کرد که علیه زنان و کودکان به طور خاص با اهدافی چون تاکتیک جنگی برای

تحقیر دشمن، برای نمایش حکم فرما بودن، ارباب تدریجی، متفرق کردن یا کوچ اجباری غیر نظامیان جامعه یا گروه نژادی، خشونت رخ می‌دهد (Resolution 1820 (2008)). شورای امنیت همچنین بر اینکه خشونت‌های جنسی علیه زنان می‌تواند درگیری‌های مسلحانه را تشدید کند و یا مانع بازگشت صلح شود، تأکید بیشتری کرده و آمادگی خود را بر اتخاذ تدابیر مقتضی برای اعلام خشونت‌های جنسی گسترده یا سیستماتیک به صورت مورد به مورد، اعلام کرد (Ibid: para1). قطعنامه‌ی ۱۸۲۰ صادر شده در سال ۲۰۰۸ انجام اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت^۱ را توصیه کرد که شورای امنیت می‌تواند تمام اشکال خشونت‌هایی که در درگیری‌های مسلحانه رخ می‌دهد را ممنوع و محکوم کند (Ibid: preamble) و توقف سریع آنها را بخواهد (Ibid: para2) یا اقدامات هدفمند علیه طرفی که این جنایات را انجام می‌دهد، اتخاذ کند (Ibid: para 5).

۸- تحولات اخیر اسناد منطقه‌ای

اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد برای حقوق مردمان بومی که در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷ به تصویب مجمع عمومی رسیده است، در مواد ۲۱ و ۲۲ بر حمایت از حقوق زنان بومی تأکید می‌کند (<http://www.un.org/esa/socdev>).

۱- اقدامات بلند مدت شامل بالا بردن فعالیت‌ها برای ممنوعیت و معرفی تجاوز به عنف و خشونت‌های جنسی اقدامات حمایتی توسط کشورها مطابق با تعهداتشان و مجازات مرتکبین جنایات جنسی می‌باشد.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

همچنین شورای حقوق بشر نیز تمرکز و توجه خود را در بررسی‌های دوره‌ای مبتنی بر وحدت جنسیتی در همه‌ی زمینه‌ها قرار داده است (Human Rights Council resolution 2007). در اسناد سازمان‌های منطقه‌ای دیگر نیز توجه و تأکید بر حقوق برابر مبتنی بر جنسیت زنان با مردان به صورت مؤثر پیگیری شده است؛ از جمله در پروتکل الحاقی منشور حقوق بشر آفریقایی مورخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵ بر موضوع حقوق زنان آفریقا تأکید شده است. همچنین می‌توان به توصیه نامه‌ی شماره‌ی ۱۷ (۲۰۰۷) شورای وزیران اتحادیه‌ی اروپا اشاره کرد که دول اروپایی را به رعایت استانداردها و مکانیسم‌های حمایتی حقوق زنان بر مبنای تساوی جنسیتی دعوت می‌کند (<https://wcd.coe.int>).

۹- اقدامات ملی کشورها در اجرای مقررات حقوق بشری زنان

برای اجرا و بومی‌سازی قواعد حقوق بشری زنان در سطح ملی نیز بعضی کشورها - همچون بلژیک، بلیز،^۱ کلمبیا، کرواسی، یونان، گینه، لوکزامبورگ و صربستان - به قانون‌گذاری و اصلاح قوانین ملی در جهت تضمین تساوی بین زن و مرد و ممنوعیت تبعیض مبتنی بر جنس اقدام نموده‌اند؛ برای مثال لوکزامبورگ در سال ۲۰۰۶ ماده‌ی ۱۱ قانون اساسی خود را برای درج اصل تساوی مابین زن و مرد تغییر داد و قانون اساسی جدید صربستان مصوب

1- Belize

۲۰۰۶ نیز برای تساوی بین زنان و مردان تضمین دولتی پیش‌بینی کرده و در ماده‌ی ۱۵ خود توسعه‌ی فرصت برای اکتساب مقام‌های بالای حکومتی و در ماده‌ی ۲۱ اتخاذ اقدامات خاص اجرایی در ایجاد تساوی جنسیتی زنان را بیان کرده است. همچنین یونان در سال ۲۰۰۱ با اصلاح قانون اساسی خود، انجام اقدامات مثبت و خاص جهت محو تبعیض به ویژه نسبت به زنان را تکلیف کرد. در این راستا کلمبیا و اکوادور مقرراتی را برای حمایت از زنان به قانون اساسی خود افزودند و تانزانیا در اصلاحیه‌ی قانون اساسی خود در سال ۲۰۰۵ مقرر کرد که حداقل ۳۰ درصد تعداد نمایندگان پارلمان باید زن باشند. در تغییرات قانون اساسی رواندا در سال ۲۰۰۳ آمده است که باید حداقل ۳۰ درصد پست‌ها و ارگان‌های مدیریتی بر عهده‌ی زنان باشد و در سال ۲۰۰۲ در جیبوتی قانونی وضع شده مبنی بر اینکه باید حداقل ۱۰ درصد کاندیداهای هر گروه و حزب سیاسی از میان زنان باشد. فرانسه نیز در اصلاحیه‌ی قانونی سال ۱۹۹۹ احزاب را موظف کرده که حداقل ۵۰ درصد کاندیداهایشان زن باشند و در صورت رعایت نکردن این مقرره به مجازات نقدی محکوم می‌شوند (Janette 2009: 1-4)؛ شاید پیرو همین تغییرات حقوقی است که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۸ رواندا ۵۶/۲۵ درصد، در سودان ۴۷ درصد، در کوبا ۴۳/۲ درصد، در فنلاند ۴۱٫۵ درصد و در آرژانتین ۴۰ درصد کرسی‌های پارلمان در اختیار زنان قرار گرفته است (<http://www.ipu.org>). با توجه به تمام مطالب فوق می‌توان گفت هم اکنون

یک جنبش بین‌المللی زنان توسط سازمان‌های بین‌المللی دولتی (IGOs) و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (NGOs) شکل گرفته و گسترش یافته است که ویژگی آنها مبارزات مختلف برای دستیابی به تساوی حقوق هم در واقعیت عملی و هم در قانون می‌باشد (پیس، کلی کیت اس ۱۳۸۷: ۱۷۱).

۱۰- ارزیابی رویکرد بین‌المللی در موضوع زنان

با بررسی و مطالعه‌ی تحول حرکت‌ها و اقدامات حمایتی از زنان در اسناد مختلف بین‌المللی و ایجاد کنوانسیون‌ها و نهادهای مختلف برمی‌آید که هر چند در سال‌های اخیر نوع نگرش نسبت به زنان تغییر کرده و برخی از محرومیت‌ها و ظلم‌های محلی و یا ملی نسبت به زنان کاهش و سلامتی، باروری، سواد و بهداشت و حتی برخی رفتارهای خشن و غیرانسانی نسبت به آنها بهبود یافته است اما نکته‌ی مهم و نگران‌کننده مبانی نگرش حاکم بر مفاد این اسناد بین‌المللی است که رویکردی انسان‌گرایانه و یا فمینیستی دارد و در آن اخلاق، همکاری و تعاون بین زنان و مردان و نگرش‌های فرهنگی، سنتی، دینی و اهمیت معنوی و عاشقانه‌ی خانواده مغفول مانده است؛ برای مثال مفهوم و چارچوب خانواده نسبت به پنجاه سال گذشته دگرگونی عمیقی یافته و این امر نتیجه‌ی تغییرات بنیادین و ساختاری آن و متأثر از عوامل مختلفی همچون تبلیغ نگرش اومانیسم، گرایش جهانی در مهاجرت، پدیده‌ی پیر شدن سن جامعه، اپیدمی ایدز، تأثیرات جهانی شدن و تأکید بی‌حد بر قلمرو حقوق فردی زنان می‌باشد. نتیجه‌ی این امر

خانوارهای کم جمعیت و کوچک‌ترند، سن ازدواج و فرزنددار شدن^۱ به تأخیر افتاده و بالا رفته و در نهایت نرخ طلاق افزایش یافته و تک والدینی بودن^۲ از ویژگی‌های خانواده‌های امروزی شده است. این وضعیت موجب تغییر و تأثیر در ظرفیت خانواده برای انجام وظایف خود از جمله وظیفه‌ی پرورش و اجتماعی نمودن بچه‌ها و مراقبت (حمایت) از اعضای جوان‌تر و مسن‌تر خانواده شده است. در حالی که خانواده به عنوان یک حقیقت ساده شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل اجتماعی را تشکیل می‌دهد که تعلیم دهنده‌ی زندگی، معاشرت کودکان و حفاظت از یکدیگر می‌باشد. بر این مبنا خانواده و فرهنگ قرار است در کنار هم و دست در دست هم به اهداف کلان اجتماعی دست یابند، اما در قرن بیست و یکم، در غرب خانواده محلّ و مظهر تفکیک نقش‌ها شده و جنسیت مهم‌ترین معیار و ملاکی است که تفکیک وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی بر اساس آن صورت می‌گیرد (ابوت ۱۳۸۰: ۱۴). در حالی که خانواده منشأ مهم‌ترین نقش زنان، یعنی مادری است به نحوی که بحث خانواده و مادری به هم گره خورده است. از طرفی از آنجا که خانواده محلّ کار زنان و زاد و ولد و تولید مثل است، برای نظریه پردازان فمینیسم مهم جلوه نموده است (رودگر ۱۳۸۸: ۱۵)؛ لذا در عمل مشاهده می‌شود که نتیجه‌ی اقدامات و تبیین تفکرات و

1- Childbearing

2- Single Parenthood

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

نگرش‌های آنها در رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی موجب بروز اختلال فرهنگی و مبارزه‌ای بزرگ مابین فرهنگ و خانواده شده است که در نهایت این درگیری‌ها، به ضرر فرهنگ و خانواده است، زیرا در عمل مصنوعات فرهنگی و هنری چون داستان، موسیقی و فیلم که باید در عین خلاقیت، برای برقراری ارتباط و تقویت ارزش‌های جامعه و افراد گام بردارد و آن چیزی را که باید نوجوانان بدانند تا با آگاهی از آنها به بزرگسالی پا نهند، نمی‌آموزد، بلکه خانواده‌ها در موقعیتی عجیب، نیازمند آن هستند تا از کودکان خود در مقابل فرهنگ محافظت کنند.^۱ چرا که هنر، فرهنگ، داستان، موسیقی و ... در مسیر تضعیف ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی قرار داشته و اغلب مملو از بی‌اخلاقی، زرق و برق و از طرفی خالی از ارزش‌های خانوادگی می‌باشد (<http://nowspeakenglish.com>). از طرفی در بیشتر اسناد بین‌المللی (قطعنامه‌ها و یا کنوانسیون‌ها) و همچنین جهان ساخته و پرداخته شده‌ی رسانه‌ها و فیلم‌ها، هیچ چیزی برای آنکه توسط خانواده و یا با خانواده انجام شود، وجود ندارد و معمول ماجراها را افراد مجرد و تنها انجام می‌دهند و به یک معنا تبلیغ تنهایی و فردیت است. تصاویری که رسانه‌ها از خانواده نشان می‌دهند، تصاویری منفی است (شوهران و زنانی که سر هم داد و فریاد می‌زنند و آرزو می‌کنند که ای کاش تنها بودند، پدران

۱- امام علی (علیه‌السلام) درباره‌ی وظیفه‌ی خانواده نسبت به اولاد می‌فرماید: «بهترین میراث پدران برای فرزندان، ادب و تربیت است» (تمیمی آمدی ۱۴۱۰: ۳۵۹).

دلگ و مادران دودی و فرزندان ناخواسته^۱ در نتیجه تصاویر و رنگ‌های منفی^۲ از خانواده در ذهن خواننده و بیننده به وجود می‌آورد (<http://now.speakenglish.com>). یکی دیگر از نکات تأسف برانگیز آن است که ره‌آورد به دست آمده برای جامعه، در مسیر حصول تساوی جنسیتی، استقلال، برابری زن و مرد و شکستن قالب‌های کلیشه‌ای مبتنی بر جنسیت و طبیعت فیزیکی زن و مرد بوده است. از طرفی امروزه، برقراری رابطه‌ی جنسی^۳ در چارچوب ازدواج و خانواده نیست، بلکه به خارج از حیطه‌ی خانواده (منظور خانواده‌ی مبتنی بر ازدواج) کشیده شده است.^۴ از این منظر فرد هیچ‌گونه تصور و تلقی‌ای مبنی بر اینکه رابطه‌ی جنسی برای تولید مثل و تولد فرزند است، نخواهد داشت بلکه در عمل باردار شدن^۵ عارضه و نتیجه‌ی منفی و تأسف برانگیزی از لذت جنسی^۶ تلقی می‌شود که اگر زن آن را بخواهد خوب است و اگر نخواهد، پیرو فرهنگ موجود در غرب و وجود اختیار و اراده‌ی زن، کودک کشته (سقط)

1-Husbands and Wives Yelling at Each other and Yearning to be Single; with buffoon fathers and smothering mothers; with misunderstood children

2-Negative Light

3- Sex.

۴- تأکید این موضوع در اسناد بین‌المللی و اعلامیه‌های گروه‌های مختلف اجتماعی در غرب تحت عنوان فمینیسم یا مدافعین حقوق بشر و البته وجود تصاویر متعدد چنین اموری در فیلم‌ها خود اثبات‌کننده‌ی این واقعیت است.

5 - Getting Pregnant.

6- Sexual Pleasure.

می‌شود.^۱ بنابراین اگر رابطه‌ی جنسی در چارچوب ازدواج و مفهوم اصل خانواده و فرزنددار شدن قرار نگیرد، آنچه به عنوان هدف و عامل توجیه باقی می‌ماند، صرف لذت جنسی است.^۲ در این فرض سؤالی مشکل و پیچیده مطرح می‌شود مبنی بر اینکه کدام اشتباه است و کدام صحیح؟ بدین معنا که اگر «رابطه‌ی جنسی داشتن» با ازدواج و بچه‌دار شدن بی‌ارتباط است، چرا نباید افرادی که با هم ازدواج نمی‌کنند رابطه‌ی جنسی هم نداشته باشند؟ چرا افراد باید با فردی از جنس خود^۳ رابطه نداشته باشند؟ و چرا با خود رابطه نداشته باشند؟ متأسفانه این سؤالات در اسناد بین‌المللی و نگرش مادی‌گرای موجود در غرب پاسخ داده نشده و مغفول مانده است و تنها به حفظ و تفکیک حقوق فردی زن از مرد توجه و تأکید شده است.

در بعد اقتصادی نیز به جای آنکه کار در خدمت و حامی خانواده‌ها باشد، اغلب خانواده‌ها به نفع کار نادیده انگاشته می‌شوند؛ به نحوی که پدران همیشه مشغول به کار و یا در رفت و آمد کاری بسر می‌برند و در مجموع زمان صرف شده‌ی پدران با فرزندان کمتر از پنج دقیقه در روز است که این

۱- برای مثال سقط جنین وفق قانون مصوب ۱۹۹۲ آمریکا به عنوان حقوق فردی تلقی شده و بیان می‌دارد که «نه تنها زن موظف به کسب اجازه شوهر برای سقط جنین نیست، بلکه وظیفه‌ای هم برای مطلع کردن شوهر به جهت انجام آن ندارد» (فاکس ۱۳۸۱).

۲- در همین رابطه از علی‌بن موسی الرضا (علیه‌السلام) منقول است که خداوند زنا را حرام کرد چون باعث فساد است یعنی آدمکشی، از میان رفتن پیوندهای نسبی و کوتاهی در تربیت کودکان ... (ابن بابویه ۱۳۸۵: ۴۷۹).

امر به نوبه‌ی خود به پیکره‌ی روابط خانوادگی ضربه‌ی سختی می‌زند (<http://now.speakenglish.com>).

بنابراین ازدواج‌های شکست خورده،^۱ کودکان بی‌سرپرست،^۲ پورنوگرافی، سقط جنین،^۳ و بسیاری از موارد دیگر به ویژه «فرهنگ جنگ»^۴ حاکم بر رفتار زنان و مردان جامعه، مهم‌ترین مسائل و مشکلات خانوادگی هستند. در این شرایط کلید ایجاد خانواده‌ی مستحکم، مشارکت و پشتیبانی اخلاق، فرهنگ و دین از بنیان خانواده است. به همین علت ضروری است تا به جای تأکید بر حقوق فردی، بر حقوق خانوادگی و جمعی تکیه گردد. کما آنکه در نگرش پیامبر اکرم (ﷺ) آمده است که «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب‌تر و گرامی‌تر از تشکیل خانواده (و ازدواج) نیست» (نوری ۱۴۰۸: ۱۵۲) و در صیانت از کرامت خانواده و جامعه بیان می‌کنند که «بهترین زنان شما، زن پاکدامن شوهر خواه است» (دیلمی ۱۴۱۲: ۱۸۴)^۵ و جای دیگر پیامبر عظیم‌الشان در حمایت تقویت بنیان خانواده در جامعه و حمایت از اخلاق،

1- Broken Marriages.

2- Unparented Children.

۳- اینکه مشاهده می‌شود در برخی کشورها سقط جنین به عنوان یک حق فردی برای زن به رسمیت شناخته شده و در تصمیم‌گیری و یا اطلاع از آن مرد به عنوان همسر هیچ نقش و تأثیری نداشته و ندارد، خلاف هدف و کارکرد خانواده در جامعه است. کما آنکه در این فرض و با «دفاع از حق سقط جنین به عنوان حق فردی زن، عملاً کودکان را به دارایی‌های فردی زن تبدیل می‌کند و مسئولیت خانوادگی و اجتماعی در قبال کودکان را تضعیف می‌نماید» (فاکس ۱۳۸۱: ۶۲).

4- Culture War.

۵- النَّبِيُّ (ﷺ): مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءَ أَحَبِّ إِلَى اللَّهِ وَأَعَزُّ مِنَ التَّرْوِيجِ.

۶- النَّبِيُّ فِيْمَا رَوَاهُ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): خَيْرُ نَسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ الْعَلِمَةُ.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

مروت و جوانمردی بیان داشته‌اند «اگر کسانی به خواستگاری دخترانتان آمدند که اعتقاد دینی و امانتداری آنان را قبول دارید، به آنان دختر بدهید. در غیر این صورت فتنه و فساد همه جا را فرا می‌گیرد» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ص ۳۷۲).

این در حالی است که در کنوانسیون محو تبعیض واژه‌ی حقوق ۵۶ بار، برابری ۳۶ بار، مسئولیت ۷ مرتبه، التزام ۲ بار و وظیفه ۱ بار تکرار شده، اما از مفاهیمی چون همکاری و تعاون سخنی به میان نیامده است (النجیمی ۲۰۰۷: ۳۴). این نگاه کلی حاکی است که سیاق و نگرش کلی کنوانسیون به روشنی بر مطالبه‌ی حقوق فرد از جامعه تأکید دارد و کفه‌ی مسئولیت و وظیفه‌ی فرد در قبال جامعه و دیگران بسیار سبک و کم وزن شده است. اصل مساوات و برابری بین تمامی افراد، اساس تمامی معاهدات حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، هم‌چنان که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در مقدمه و ماده‌ی ۱ خود بیشتر از سایر معاهدات بر این اصل تأکید ورزیده است.

این در حالی است که رویکرد اسلامی زن و مرد را مکمل یکدیگر می‌داند و خداوند متعال در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی مبارک روم می‌فرماید: «از آیات خدا یکی این است که از (نوع) خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنار ایشان آرامش یابید و میان شما (زن و شوهر) دوستی و مهربانی نهاد». و در دکتترین حقوق بشر اسلامی هدف نظام حقوقی، تحقق عدالت است و برابری وسیله و ابزاری برای رسیدن به این هدف شمرده می‌شود، نه آنکه

عدالت وسیله‌ای برای نیل به مساوات و برابری باشد. بنابراین در صورت تعارض این دو مفهوم، وسیله بایستی به نفع هدف کنار گذاشته شود؛ لذا باید گفت که در فرهنگ اسلامی عدالت ارزش اصیل دارد و برابری ابزار و تکنیکی برای تحقق عدالت شمرده می‌شود. همچنین در مواردی که ایجاد برابری به بی‌عدالتی بیانجامد، بایستی این تکنیک را کنار نهاده و از تکنیک دیگری بهره گرفت که به گونه‌ی بهتری آن هدف را محقق سازد. بر این اساس می‌توان گفت که کشورهای اسلامی به انحاء مختلف کوشش کردند تا این مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی را در اسناد حقوق بشر تعیبه کنند و از تحمیل ارزش‌های فرهنگی بیگانه و غربی بر جوامع اسلامی جلوگیری کنند. هدف کشورهای اسلامی آن بود که چنانچه قواعد و معیارهای مندرج در کنوانسیون با ویژگی‌های دینی و فرهنگی جوامع اسلامی انطباق ندارد، دست کم این اسناد به گونه‌ای تدوین شوند که با ارزش‌های فرهنگی و تعالیم دینی آنها تعارض نداشته باشد، اما نگرش افراطی حاکم بر کمیسیون مقام زن و اجلاس‌های بین‌المللی دیگر به این ملاحظات بی‌اعتنا بود و با وجود تعداد پرشمار آراء مخالف و ممتنع، مواد کنوانسیون و اسناد مرتبط با حقوق زنان در مراحل مختلف به تصویب رسید.^۱

۱- کشورهای اسلامی در آغاز از تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان استقبال نکردند، اما امروزه این وضعیت تغییر کرده و بسیاری از کشورهای اسلامی به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند، اما شماری از آنها حق شرط‌های گسترده‌ای بر این کنوانسیون وارد ساخته‌اند.

در مورد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز اختلاف اساسی بر سر مفاهیم و واژگان نیست، بلکه اختلاف در بنیان‌های فلسفی و اهداف آن است. اعلامیه‌ی جهانی فاقد مبانی نظری مشخصی است و این امر حقوق را از عمق و غایت‌گرایی و انگیزه‌های قوی برای التزام به آن محروم می‌سازد. در حالی که حقوق بشر در اسلام از یک اصل اعتقادی اسلامی سرچشمه می‌گیرد و آن اینکه انسان در وجود خود حامل کرامت الهی و جانشین خداوند در جهان است و این امر برای او حقوقی را در پی خواهد داشت که هیچ کس نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد (الغنوشی ۱۹۹۶: ۲۳۰). در همین رابطه حضرت امام خمینی (رحمته‌الله) در مصاحبه با نماینده‌ی سازمان عفو بین‌الملل بیان می‌کنند: «زنان از منظر اسلام نقش حسّاسی در بنای جامعه‌ی اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدّی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حدّ شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌توانند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی بر عهده گیرند» (موسوی خمینی ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۴۳۶). بنابراین باید گفت اسلام چهارده قرن پیش به حقوق بشر توجه کرده و هر انسانی را از هر جنسیت، دین و ملیت تکریم کرده است (القرضاوی ۱۹۹۸: ۱۳). آنچه که غریبان آن را حق می‌دانند، اسلام آن را واجب و تکلیف به شمار می‌آورد.^۱ البته واضح است که این امر مطمئن‌تر

۱- ظاهراً مطمئن نظر این جمله قرضاوی به قائل شدن برخی از حقوق برای زن و احترام آن حقوق توسط دیگران و حتی زوج بر می‌گردد، نه تمام مواردی که امروزه در اسناد بین‌المللی به عنوان حقوق زن بیان شده است.

و معتمدتر است، زیرا انسان می‌تواند از حق خود دست بردارد، اما بر او لازم است که به واجباتی که خداوند بر او فرض کرده است التزام داشته باشد، آنها را رعایت کند و در ادای آنها کوتاهی نکند (همان: ۸۶). به همین جهت بعضی اندیشمندان دیگر معتقدند «اسلام در زمینه‌ی ایمان به انسان و تقدیس حقوق او به منزلتی رسیده است که از مرتبه‌ی «حقوق» گذشته و این حقوق را «ضرورت» دانسته و آن را در چارچوب واجبات قرار داده است» (عماره ۱۹۸۹: ۱۷-۱۳). کما آنکه مشاهده می‌شود همین دیدگاه‌ها در اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی (قاهره) تجلی یافته و مفاهیمی کاملاً بدیع از قبیل مسئولیت، معنویت، خانواده و شریعت را به قلمرو حقوق بشر وارد کرده است. افزون بر این مفاهیم بدیع، اعلامیه‌ی اسلامی می‌کوشد مفاهیم حقوق بشر را از زیر بار سنگین فردیت و لیبرالیسم غربی رهایی بخشد و مهم‌تر آنکه از هر گونه اشاره‌ای به اعلامیه‌ی جهانی اجتناب ورزیده است، اما برای اجرایی شدن مفاد آن نیازمند ساختارسازی و مکانیسم‌های مبتنی بر وحدت ناشی از توافقات مابین دول اسلامی هستیم.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اقدام در راستای افزایش اقدامات حمایتی قانونی، اداری و مالی از زنان و دختران معلول، دسترسی زنان به منابع اقتصادی، آموزش با هدف از میان بردن تعصبات و بهبود ارتباطات در راستای ایجاد روابط متقابل محترمانه میان زن و مرد، آگاه‌سازی و آموزش جهت افزایش رواداری در اجتماع،

بسیج افکار عمومی برای از بین بردن باورهای منفی نسبت به زنان، تقسیم وظایف در رسیدگی به فرزندان و افراد خانواده، بازبینی قوانین ملی برای مناسب سازی سن ازدواج دختران، تأمین امنیت دختران در رفت و آمد به مدرسه، در دسترس بودن برنامه‌ها، خدمات بازپروری، خدمات بهداشتی، توجه به پیامدهای درمانی و بهداشتی ایدز از موضوعات خوب و استحصالی در اقدامات بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی بوده است و البته پیگیری تقویت و حمایت از آنها لازم می‌نمایند، اما لازم است که در تصویب اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی به حقوق جمعی زن و مرد در خانواده و اهمیت و نقش مؤثر و معنوی خانواده در ساخت جامعه و کودکان توجه شود و البته در این مسیر گسترش تعریف و محدوده‌ی خانواده به محدوده‌ای غیر از روابط قانونی و رسمی ناشی از ازدواج زن و مرد صحیح نبوده و خود موجب اختلال و نقص در حمایت از حقوق زنان و دختران جوامع خواهد بود؛ لذا بر دانشمندان، علمای اسلامی و مسئولین سیاست خارجی این دولت‌هاست که جهت تبیین و تفهیم نگرش‌های خاص و حمایتی اسلام از حقوق زن و خانواده همت بگمارند و از طرفی با مشارکت مؤثر و فعال در اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در درج مفاهیم منطبق با اسلام و یا حداقل غیرمتعارض تلاش کنند و این در کنار وظیفه‌ی ساختارسازی‌های غیردولتی (NGO) و یا تحقق مکانیسم اجرایی برای اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اسلامی (قاهره) می‌باشد.

منابع

- ◀ ابن بابویه، محمدبن علی ۱۳۸۵. *علل الشرایع*، قم، داوری.
- ◀ ابوت، پاملا ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه‌ی منیژه نجم مراقی، تهران، نی.
- ◀ پیس، کلی کیت اس ۱۳۸۷. *سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه‌ی حسین شریفی طراز کوهی، تهران، میزان.
- ◀ تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد ۱۴۱۰. *غررالحکم و دررالکلم*، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ توحیدی، احمدرضا. «بررسی عملکرد سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق زنان»، *همایش مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها*، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، (۱۳۷۸).
- ◀ دیلمی، حسن بن محمد ۱۴۱۲. *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی.
- ◀ رودگر، نرجس ۱۳۸۸. *فمینیسیم؛ تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقدها*، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ◀ عماره، محمد ۱۹۸۹. *الاسلام و حقوق الانسان: ضرورات، لاحقوق، القاهرة-بیروت*، دارالشروق.
- ◀ الغنوشی، راشد ۱۹۹۶. *الحریات العامة فی الدولة الاسلامیه*، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیه.
- ◀ فاکس، الیزابت. «زنان و آینده خانواده: آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده»، ترجمه‌ی اصغر افتخاری و محمد تراهی، *کتاب زنان*، ش ۱۷.
- ◀ القرضاوی، یوسف ۱۹۹۸. *خطب الشیخ القرضاوی*، القاهرة، مکتبه وهبه.
- ◀ مجلسی، محمد باقرین محمد تقی ۱۴۰۳. *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ موسوی خمینی، روح الله ۱۳۸۹. *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

- ◀ مهرپور، حسین ۱۳۷۴. حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات.
- ◀ النجیمی، محمد یحیی ۲۰۰۷. حقوق المرأة فی الاسلام و اتفاقية (سیدارو): قرائة نقدیة هادفة، مجمع الفقه الاسلامی الدولی، منتدی الفكر الاسلامی.
- ◀ نوری، حسین بن محمد تقی ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.

- “Family vs. Culture”, available at: <http://nowspeakenglish.com/?cat=20>
- . See Meghan Clarke, ‘Sexual violence against women during armed conflict: An analysis of international law’, in University of British Columbia International Law Journal, Vol. 1, No. 1, 2008, p. 2.
- Amer, Janette, Human rights of women, sep2009,p.2 Available to see:www.un.org/womenwatch/daw/vaw/handbook-for-nap-on-vaw.pdf
- Doc. CEDAW/SP/1995/2.
- ECOSOC resolution 1987/22.
- ECOSOC Resolution establishing the Commission on the Status of Women. E/RES/2/11, 21 June 1946.
- Final report of activities of the group of specialists on Positive Action in the field of equality between women and men’, Strasbourg, 2000 (EG-S-PA (2000)
- Harris, Hadar, Current Processes for Assessment of Women’s Human Rights in International Law, March 2005, available to see on:[www.The American Society of International law ASIL Insights- March2005-files/masks.js](http://www.TheAmericanSocietyofInternationalLaw.org/ASILInsights-March2005-files/masks.js).
- <http://nowspeakenglish.com/?cat=20>, Family vs. Culture.

- <http://social.un.org/index/Family/InternationalObservances/InternationalYearoftheFamily.aspx>.
- http://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtmsg_no=IV-4&chapter=4&lang=en
- <http://www.ipu.org/press-e/gen311.htm>.
- http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/47/237.
- http://www.un.org/News/briefings/docs/2008/081210_Petition.doc.
<http://www.un.org/womenwatch/daw/csw/index.htm>
<http://www.unfpa.org/public/cache/offonce/home/news/pid/13634;jsessionid=14805052156242A14A1213524E1A1441.jahia01> , 8march2013.
- <http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/5038ebdcb712174dc1256a2a002796da/b6f56e810d3712cac1257791002e8fdf?OpenDocument>.
- Human Rights Council resolution 5/1 of 18 June 2007
- Inter-Parliamentary Union, Press release No. 311, available at <http://www.ipu.org/press-e/gen311.htm>.
- Rec(2007)17 of the Committee of Ministers of the Council of Europe, Adopted on 21 November 2007 at the 1011th meeting of the Ministers' Deputies, Available at <https://wcd.coe.int/ViewDoc.jsp?id=1215219&Site=CM>
- Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing, 4–15 September 1995 (United Nations publication, Sales No. E.96.IV.13), chap. I, resolution 1, annexes I and II.
- Resolution S-23/2, annex, and resolution S-23/3, annex.
- see www.un.org/womenwatch/daw/Review/english/49sess.htm.

تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ملی

- The Declaration for the Elimination of Violence against Women was adopted by the General Assembly on 20 December 1993.
- U.N. Office of the High Commissioner for Human Rights. “Fact Sheet No. 22, Discrimination Against Women: The Convention and the Committee”. United Nations. Retrieved October 18, 2012.
- UN Doc CEDAW/SP/1995/2.
- UN Doc. HRI/GEN/2/Rev.1/Add.2, paragraphs G.1 and G.2.
- UN doc:A/RES/47/237 ,(1993).
- UN General Assembly Resolution 217A (III) of 10 December 1948
- UNFPA (February 2006). “Gender Equality: An End in Itself and a Cornerstone of Development”. United Nations Population Fund. Retrieved 2008-06-01.
- UNICEF. “Promoting Gender Equality: An Equity-based Approach to Programming”. UNICEF. Retrieved 2011-01-28..
- United Nations Convention on the Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages (1962)
- United Nations Declaration on the Rights of Indigenous People, un.doc. (A/61/L.67 and Add.1) Available to see: http://www.un.org/esa/socdev/unpfii/documents/DRIPS_en.pdf.
- United Nations Millennium Campaign (2008). “Goal #3 Gender Equity”. United Nations Millennium Campaign. Retrieved 2008-06-01.
- United Nations. Report of the Economic and Social Council for 1997. A/52/3.18 September 1997D,

- William Paul Simmons, 'Remedies for the women of Ciudad Jua'rez through the Inter-American Court of Human Rights', in Northwestern University Journal of International Human Rights, Vol. 4, Issue 3, Spring 2006
- [www.un.org/womenwatch/daw/ Review/ english/49sess.htm](http://www.un.org/womenwatch/daw/Review/english/49sess.htm), Beijing Platform for Action.
- www.unmilleniumproject.org.
- <http://encyclopedia.thefreedictionary.com/violence+against+women>
- http://iauns.org/external_news/detailpage.aspx/6/1/1/1/28/0/lang/Fa.aspx